تاثیر یکسان‌سازی نرخ ارز بر ارزش پول ملی

عضو سابق اتاق بازرگانی ایران معتقد است یکسان سازی نرخ ارز، تقویت ارزهای خارجی و کاهش ارزش پول ملی را به همراه خوهد داشت اما چاره‌ای نداریم جز اینکه در مسیر واقعی سازی نرخ ارز حرکت کنیم.جهانبخش سنجابی شیرازی درباره دستور العمل جدید بانک مرکزی مبنی بر حذف ارز مسافرتی و تاثیر آن در بازار اظها کرد: آنچه اعلام شده بیشتر مبین این نکته است که این اقدام بیشتر در راستای یکسان سازی نرخ ارز است.
وی ادامه داد: اما به نظر می‌رسد این سیاست کارکرد دیگری هم داشته باشد. با توجه به اختلافی که بین ارز دولتی و ارز آزاد وجود دارد دولت به دنبال جلوگیری از خروج بیشتر ارز از کشور است.

اثرگذاری تسهیلات در اشتغال به‌زودی نمایان می‌شود

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی عنوان کرد:متوسط اشتغال در کشور نسبتا نسبت به شاخص‌های جهانی مناسب بوده، ولی این که مشهود نبوده، دلایلی دارد؛ اما به هرحال به کار و تلاش بیشتر نیاز داریم، ضمن اینکه اگر نتوانیم سیاست اشتغال اعمال کنیم، شکست خواهیم خورد.علی ربیعی، با اشاره به این نکته که یک میلیون نفر ورودی شغل در سال داریم، اظهار داشت: اقتصادهای بزرگ دنیا هم نمی‌توانند چنین کاری کنند،بنابراین باید به دنبال سیاست‌هایی برویم که مبتنی بر اشتغال باشند.ربیعی ادامه داد: نظام بانکی در بانک مرکزی برخلاف تبلیغاتی که صورت می‌گیرد، با درک عمیق پشتوانه طرح عظیم اشتغالزایی شده است و به سمتی در حال حرکت هستیم که اثرگذاری تسهیلات در اشتغال نمایان شود.

ساماندهی واردات ته‌لنجی و کوله‌بری

رئیس کل گمرک از ساماندهی واردات در رویه ته‌لنجی، ملوانی و کوله‌بری خبر داد و گفت: هیچ کجای دنیا مورد مشابه وجود ندارد.رئیس کل گمرک ایران در مراسم معارفه خود در حضور وزیر امور اقتصادی و دارای، برنامه‌های جدید گمرک ایران در دولت دوازدهم را تشریح کرد. فرود عسگری در تشریح برنامه‌های خود در گمرک ایران گفت: یکی از اولویت‌های گمرک توسعه سامانه جامع گمرکی در رویه‌های ته لنجی و ملوانی، بازارچه‌ای و مسافری به‌ویژه در مناطق آزاد خواهد بود. وی گفت: رویه ورود موقت به تازگی به سامانه جامع گمرکی پیوسته و تلاش داریم، تا بخش استرداد را هم به زودی الکترونیکی کنیم. رئیس کل گمرک ایران گفت: برنامه تجهیز گمرکات به دستگاه‌های کنترلی ایکس کامیونی باسرعت بیشتری انجام خواهد شد.

«تجارت» نحوه رفع ریشه‌ای معضل بیکاری را بررسی می‌کند؛

رشد اقتصادی با رویکرد اشتغال پایدار

گروه اقتصاد کلان: بیکاری به عنوان «بحرانی»ترین مسئله اقتصادی کشور امروز مهمترین دغدغه دولت است آن طور که رئیس جمهور در نخستین جلسه هیأت وزیران در دولت جدید اشتغال را مهمترین مسئله و دغدغه دولت عنوان کرد.
اما تحولات بازار کار طی ۲۰ سال اخیر چگونه بود؟ نگاهی به‌امارهای رسمی کشور از سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که جمعیت کشور از حدود ۶۰ میلیون در این سال به فاصله ۱۰ سال پس از آن یعنی در سال ۱۳۸۵ به میزان حدود ۱۰ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر افزایش یافت به طوریکه در این سال جمعیت کشور به ۷۰ میلیون و ۴۹۶ هزار نفر رسید.
در عین حال روند افزایش جمعیت نیز ادامه داشت به طوریکه در سال ۱۳۹۵ نیز جمعیت کشور با حدود ۱۰ میلیون افزایش به ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار نفر افزایش یافت. نتیجه بررسی رشد جمعیت حاکی از آن است که طی ۲۰ سال اخیر سالانه حدود یک میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شده است.
در این بین جمعیت فعال کشور نیز روند صعودی داشته است. جمعیت فعال به مجموع افراد بیکار و شاغلی که در سن کار (۱۰ ساله و بیشتر بر اساس تعاریف آماری) قراردارند، گفته می‌شود. هر چند افزایش جمعیت فعال یک شاخص مثبت برای اقتصاد کشور است اما به تبع افزایش جمعیت فعال اگر از جمعیت بیکار کاسته نشود می‌تواند منجر به بحران بیکاری شود. دقیقا همان بحرانی که‌امروز با آن مواجهیم.
نگاهی به‌امارهای رسمی‌از نتایج آمارگیری نیروی کار نیز طی ۲۰ سال اخیر نشان می‌دهد به رغم افزایش جمعت فعال کشور از حدود ۱۶ میلیون در سال ۱۳۷۵ به حدود ۲۵ میلیون و ۷۹۱ هزار در سال ۱۳۹۵ تعداد جمعیت بیکار نیز افزایش داشته است به طوریکه جمعیت بیکار از یک میلیون و ۴۵۶ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳ میلیون و ۲۰۳ هزار نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است.
بررسی وضعیت نیروی کار در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال نیز حاکی از آن است که نرخ بیکاری در این جمعیت ۲۵.۹ درصد است که در سال ۹۴این میزان ۲۳.۳ درصد بود. این آمار نشان دهنده افزایش ۲.۶ درصدی نرخ بیکاری در این گروه سنی است. در عین حال سهم بیکاران گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال از کل جمعیت بیکار کشور یک میلیون و ۸۲۷ هزار و ۵۲۵ نفر است.
با این حال نتایج آمار نشان می‌دهد از مجموع جمعیت حدود ۳میلیون و ۲۰۳هزار بیکار، یک میلیون و ۸۲۷هزار نفر در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال قرار دارند. به عبارتی ۵۷ درصد از کل جمعیت بیکار کشور در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال قرار دارند.

■ **تغییرات جمعیت برحسب فعال، شاغل و بیکار طی سالهای ۹۵-۱۳۷۵دهد**

جمعیت(هزار نفر)	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
جمعیت	۶۰,۰۵۵	۷۰,۴۹۶	۷۹,۹۲۶
جمعیت فعال	۱۶,۰۲۷	۲۳,۴۶۸	۲۵,۷۹۱
جمعیت شاغل	۱۴,۵۷۲	۲۰,۴۷۶	۲۲,۵۸۸
جمعیت بیکار	۱,۴۵۶	۲,۹۹۲	۳,۲۰۳
نرخ مشارکت (درصد)	۳۵/۳	۳۹/۴۴	۳۹,۴
نرخ بیکاری (درصد)	۹/۱	۱۲/۸	۱۲,۴

اما نتایج بررسی‌های دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مربوط به وضعیت تقاضای بازار کار در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که اشتغال کل کشور در سال ۱۳۸۴ برابر با ۲۰ میلیون و ۶۲هزار نفر بوده و این رقم در سال ۱۳۹۳ به بیش از ۲۱ میلیون نفر افزایش یافته که به معنی خالص اشتغال برابر با ۶۸۰ هزار نفر طی دوره زمانی ۹ ساله است.
قابل ذکر است که خالص اشتغال کشور در سال‌های ۱۳۸۷ ، ۱۳۸۹ ، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ منفی بوده است. بررسی وضعیت اشتغال مربوط به جوانان نشان دهنده خالص اشتغال منفی در همه سال‌هاست، زیرا روند مربوط به جمعیت جوان شاغل کشور کاملا نزولی بوده است. جمعیت شاغل جوان کشور در سال ۱۳۸۴ بالغ بر ۴ میلیون نفر بود که این رقم در سال ۱۳۹۳ به بیش از ۲ میلیون نفر کاهش یافته است.
بررسی وضعیت مربوط به اشتغال تحصیلکردگان عالی کشور روندی عکس اشتغال جوانان داشته و صعودی بوده به طوری که جمعیت شاغل با تحصیلات عالی از حدود ۳ میلیون نفر در سال ۱۳۸۴ به حدود ۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۲ رسیده که به معنی خالص اشتغال برابر با ۱,۱۶ میلیون نفر است.
در مجموع و درباره ویژگی‌های بازار کار ایران باید اشاره کرد که متوسط خالص اشتغال ایجاد شده کشور در ازای یک درصد رشد اقتصادی طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۰ برابر با ۲۳,۷۹ هزار نفر است.
بررسی روند تغییرات جمعیت جوان و جمعیت جوان فعال حاکی از نزولی بودن هر دوی آنها طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲ بوده، اما روند تغییرات جمعیت تحصیلکردگان عالی و جمعیت تحصیلکردگان عالی فعال طی همین دوره صعودی بوده است.
خالص اشتغال جوانان کشور طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۳ همواره منفی بوده که نشان دهنده روند کاهشی اشتغال جوانان است. طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲ روند تغییرات نرخ مشارکت جوانان، نرخ مشارکت تحصیلکردگان عالی و همچنین نرخ مشارکت کل نزولی بوده است. همچنین باید اشاره کرد که طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲ نرخ مشارکت تحصیلکردگان عالی نسبت به نرخ مشارکت کل و نرخ مشارکت جوانان بزرگ تر است.

■ **رابطه نامتوازن رشد اقتصادی و اشتغال!**

در بررسی دلایل و راهکارهای کاهش نرخ بیکاری همواره دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ برخی معتقدند بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری به عنوان دو شاخص اقتصادی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد به این معنی که رشد اقتصادی منجر به کاهش نرخ بیکاری می‌شود اما به اعتقاد برخی دیگر، رشد اقتصادی لزوما نمی‌تواند منجر به کاهش نرخ بیکاری شود.
نگاهی به پنج برنامه توسعه‌ای کشور به عنوان اسناد بالادستی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور حکایت از آن دارد که میزان اشتغالزایی از برنامه اول توسعه تا برنامه پنجم روند نزولی داشته است؛ در واقع سیاستهای مندرج در برنامه‌های توسعه‌ای نتوانسته نقش موثری در اشتغال‌زایی ایفا کند.

ایجاد ۱۲۰ هزار شغل جدید به کمک طرح کاج یا ناامن کردن اشتغال موجود؟

در حالی که طبق گفته ی علی ربیعی به زودی ۱۲۰ هزار کارورز وارد بازار کار می‌شوند،این سوال مطرح است که آیا اجرای طرح کارورزی به ایجاد اشتغال کمک می کند یا خیر؟
به گزارش تسنیم، ۷تیرماه ۹۶ بود که برنامه اشتغال فراگیر در سال ۹۶ برای ایجاد ۹۷۰ هزار شغل در سال جاری از سوی اسحاق جهانگیری ابلاغ شد.یکی از این طرح‌ها برای ایجاد اشتغال طرح کاج یا همان کارورزی است. طرح کاج برای افزایش مهارت و اشتغال پذیری جوانان (شغل اولی‌ها)، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب و پایدار جهت رفع مشکل جوانان جویای کار در قالب اجرای دوره مهارت آموزی در محیط واقعی کار، دوره کارورزی و برخی مشوق‌های کارفرمایی متناسب با قانون برنامه ششم توسعه و قانون بودجه کل کشور در سالجاری، تحت عنوان کارانه اشتغال جوانان (کاج) طراحی و تدوین شده است.
در قالب این طرح قرار است سالانه ۱۵۰ هزار فارغ التحصیل بیکار دارای شغل شوند.روز گذشته علی ربیعی، وزیرتعاون کار و رفاه اجتماعی از واریز اولین منابع طرح به کارگیری ۱۲۰ هزار کارورز خبر داد و گفت:در حال حاضر مهمترین بحث ما کارورزی است و اولین منابع آن نیز دیشب واریز شده است و به سرعت ۱۲۰ هزار کارورز، جذب خواهند شد که با پولی که دیروز واریز شده است، طرح کاورزی جنبه اجرایی و عملی به خود گرفته است.
با توجه به اینکه پیش از این عیسی منصوری، معاون اشتغال وزیر کار اعلام کرده، در طرح آزمایشی کارورزی ۷۰ درصد آنها مشغول کار شدند، می‌توان گفت ۱۲۰ هزار کاورزی که ربیعی از آن خبر داده است ۷۰ درصد افرادی هستند که در این طرح ثبت نام کرده بودند.
یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی دولت دوازدهم بحث اشتغال است که می‌توان به طرح کارانه اشتغال جوانان با ظرفیت سالانه ۱۵۰ هزار شغل، طرح معافیت بیمه‌ای کارفرمایان با ظرفیت ایجاد ۴۰۰ هزار شغل در سال جاری و طرح تکاپو برای ایجاد ۴۴۵ هزار شغل در سال اشاره کرد که مجموع همین سه طرح در صورت اجرا طبق وعده‌ها، حدود یک میلیون شغل در سال جاری ایجاد خواهد کرد که باید به آن مشاغل ایجادشده از محل رشد اقتصاد (برنامه‌های کلان دولت) را نیز افزود.

اهداف «پیش‌بینی‌شده» در برنامه‌های توسعه‌ای در مقایسه با «تحقق» اهداف راوی این نکته است که هر چند این اهداف بر روی کاغذ حاوی چشم انداز مثبت اشتغال و اقتصاد هستند اما در حوزه اشتغال عمل گرا نبوده‌اند به گونه‌ای که توان اشتغالزایی به ازای هر ۱۰۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری از ۱۰۹ هزار نفر در سال ۶۸ به ۵۱ هزار نفر در سال پایانی برنامه پنجم توسعه(۱۳۹۴) کاهش یافته است.
عدم تحقق برنامه‌های توسعه‌ای در حوزه اشتغال موید آن است که برنامه‌های پنج ساله «اشتغال‌محور» نبوده‌اند؛ موضوعی که عیسی منصوری معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزیر کار هم آن را تایید می کند.او معتقد است: «برنامه‌های توسعه‌ای، برای حوزه اشتغال سیاستگذاری نشده است».
به گفته وی، تجربه کشورهای آسیای شرقی و لاتین نشان می‌دهد که با رشد اقتصادی، اشتغال زایی الزاما صورت نمی‌گیرد بنابراین ما نیازمند سیاست‌های تکمیلی هستیم تا بتوانیم شاهد رشد اقتصادی توام با اشتغالزایی باشیم.
طبیعتا طبق ادعای موافقان رابطه «مستقیم و معنادار» نرخ بیکاری و نرخ رشد اقتصادی، باید همزمان با افزایش نرخ رشد اقتصادی، نرخ بیکاری کاهش یابد و طبق ادعای مخالفان رابطه معناداری بین این دو شاخص اقتصادی وجود ندارد و افزایش رشد اقتصادی لزوما منجر به کاهش نرخ بیکاری نمی‌شود.
اما برای اینکه به یک نتیجه مشخص از رابطه رشد اقتصادی و نرخ بیکاری دست یابیم، با نگاهی به‌امار مرکز آمار ایران، وضعیت نرخ بیکاری و نرخ رشد اقتصادی طی ۱۰ سال گذشته را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

■ **فراز و فرودهای بیکاری و رشد اقتصادی**

در سال ۸۵ نرخ رشد اقتصادی ۷.۳ درصد و نرخ بیکاری نیز ۱۱.۳ درصد بود که در سال ۸۶ با وجود افزایش نرخ رشد اقتصادی به میزان حدود ۰.۵ درصد، اما نرخ بیکاری ۰.۸ درصد کاهش یافت.
اما در سال ۸۷ نرخ رشد اقتصادی با افت شدید ۷ درصدی از ۷.۸۴ درصد در سال ۸۶، به ۰.۸۳ درصد کاهش یافت و همزمان نرخ بیکاری هم در همین سال با کاهش ۰.۱ درصدی از ۱۰.۵ درصد در سال ۸۶ به ۱۰.۴ درصد در سال ۸۷ رسید. در واقع علیرغم کاهش شدید نرخ رشد اقتصادی، تاثیری در نرخ بیکاری مشاهده نمی‌شود.
طی سال ۸۸ نیز نرخ رشد اقتصادی به ۳.۱۶ درصد افزایش یافت اما نه تنها به تبع این رشد نرخ بیکاری کاهش نیافت بلکه‌امار بیکاری هم‌جهت با رشد اقتصاد روند صعودی داشت و به ۱۱.۵ درصد رسید.
همچنین در سال ۸۹ به رغم دستیابی به رشد ۶.۳۸ درصدی بازهم نرخ بیکاری نسبت به سال ۸۸ با افزایش ۱.۶ درصدی به ۱۳.۵ درصد رسید.
علاوه بر این، نرخ رشد اقتصادی در سال ۹۰ با کاهش حدود ۳ درصدی نسبت به سال ۸۹ به مثبت ۳.۲ درصد رسید و نرخ بیکاری نیز با کاهش ۱.۲ درصدی به ۱۲.۳ درصد رسید.
در سال ۹۱ اما نرخ رشد اقتصادی حدود ۸ درصد کاهش یافت و منفی ۵.۴ درصد شد که با وجود این کاهش قابل توجه، نرخ بیکاری فقط ۰.۱ درصد نسبت سال ۹۰ تنزل پیدا کرد. در حالی که طبق نظر موافقان رابطه این دو شاخص اقتصادی، با کاهش شدید نرخ رشد اقتصادی، نرخ بیکاری نیز باید با کاهش چشمگیر مواجه می‌شد؛ اما نشد.
اما در سال ۹۲ تقریبا رابطه معنا داری بین دو شاخص نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری مشاهده می‌شود؛ در این سال در حالی که نرخ رشد اقتصادی با ۳.۲ درصد رشد نسبت به سال ۹۱ از منفی ۵.۴ درصد به منفی ۲.۲ درصد رسید، اما نرخ بیکاری ۱.۸ درصد کاهش یافت؛ در عین حال با وجود افزایش رشد اقتصادی در سال ۹۳ به میزان ۵.۲ درصد نسبت به ۹۲ اما نرخ بیکاری از ۱۰.۴ درصد در سال ۹۲ به ۱۰.۶ درصد در سال ۹۳ افزایش یافت.
طی سال ۹۴ نیز نرخ رشد اقتصادی با ۲ درصد کاهش به مثبت یک درصد و در مقابل نرخ بیکاری با ۰.۴ درصد رشد به ۱۱ درصد رسید.

■ **نمودار رابطه نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری در ۱۰ سال گذشته**

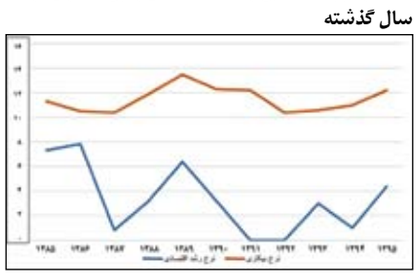

بررسی رابطه نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری در ۱۰ سال گذشته نشان می‌دهد، هیچ رابطه معناداری بین این دو شاخص اقتصادی وجود ندارد به طوری که در دهه اخیر فقط طی دو سال ۸۶ و ۹۲ در مقابل افزایش رشد اقتصادی، آمار بیکاری کاهش یافته است که با اطمینان نمی‌توان گفت که علت کاهش بیکاری، افزایش نرخ رشد اقتصادی بوده است؛ شاید سایر متغیرهای اقتصادی نیز در آن دخیل بودند.
از طرفی در ۶ سال از دهه اخیر، افت و خیز هم‌جهت بین این دو شاخص مشاهده می‌شود به طوری که در سال‌های ۸۸، ۸۹ و ۹۳ همزمان با افزایش نرخ رشد اقتصادی، نرخ بیکاری نیز رشد داشته و در سال‌های ۸۷، ۹۰، ۹۱ همزمان با کاهش نرخ رشد اقتصادی، نرخ بیکاری هم کاهش داشته است؛ همچنین فقط در سال ۹۴ با وجود کاهش نرخ رشد اقتصادی، نرخ بیکاری افزایش یافت.
بر این اساس، از بررسی دو شاخص مذکور طی یک دهه اخیر این جمع بندی حاصل می‌شود که پیش بینی رشد ۸ درصدی اقتصاد در برنامه ششم توسعه نمی‌تواند متضمن کاهش نرخ بیکاری باشد دولت برای بهبود وضعیت اشتغال و کاهش نرخ بیکاری باید سیاست‌های تکمیلی دیگری در کنار رشد اقتصادی به کار بگیرد.
در همین رابطه یک اقتصاددان و استادیار سابق دانشگاه علامه طباطبایی با بررسی عوامل بحران در بازار کار معتقد است: مرور اقتصاد ایران در ۲۸ سال گذشته، عدم اقدامات ریشه‌ای مسئولان دولت‌های مختلف برای اشتغالزایی و پرداخت دلار ارزان برای واردات بی‌رویه را نشان می‌دهد.
وی با بیان اینکه متاسفانه اقتصاد ما همچنان وابسته به نفت است و از طرفی افرادی خاص همچنان با دلار ارزان، واردات می کنند، افزود: اقتصاد بدون تولید، مانند فعالیت‌های احتکاری و سوداگری در کشور معمول شده و نتیجه این فعالیت‌ها مواجه شدن با اقتصاد بیمار و به تبع آن، بحران بیکاری شده است.
ابراهیم رزاقی تصریح کرد: از دوران دولت سازندگی که سیاست‌های نظام سرمایه داری پیاده سازی شد، حجم واردات کالا و خدمات کشور هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار بود که سهم دولت یازدهم از این واردات، حدود ۲۶۰ میلیارد دلار بود. این در حالی است که بر اساس آمار نهادهای بین المللی، به ازای هر ۱۰ هزار دلار سرمایه گذاری می‌توان یک شغل پایدار ایجاد کرد.
وی ادامه داد: با این احتساب طی ۲۸ سال گذشته، به ازای دلارهای پرداختی باید بین ۷۵ تا ۱۵۰ میلیون فرصت شغلی ایجاد می‌شد؛ در حالی که طی این مدت، فقط ۱۱ میلیون شغل ایجاد شده و جمعیت شاغل از یازده میلیون در دوران سازندگی، به ۲۲ میلیون رسیده است که این میزان اشتغالزایی در این ۲۸ سال، توجیه پذیر نیست.
این اقتصاددان با اشاره به تناسب درآمدهای ارزی دولت‌های مختلف با میزان اشتغالزایی گفت: با توجه به درآمدهای ارزی، در دولت‌های پنجم و ششم باید ۳۰ میلیون شغل، در دولت‌های هفتم و هشتم ۳۰ میلیون شغل، در دولت‌های نهم و دهم با توجه به درآمدهای ارزی بالا ۶۰ میلیون و دولت یازدهم نیز باید ۲۵ میلیون شغل ایجاد می‌شد.
این استادیار سابق دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه با پرداخت دلار ارزان قیمت برای واردات به نوعی برای واردات یارانه پرداخت می‌شود؛ گفت: در طول ۲۸ سال گذشته نوعی از نظام سرمایه داری در کشور پیاده سازی شده که اقتصاد وابسته به نفت و پتروشیمی‌شده و در عین حال فاقد تولید است.
رزاقی افزود: محصولاتی که عنوان «تولید» را با خود یدک می کشند نیز، اغلب مونتاژ هستند؛ به عبارتی در صنعت خودروسازی غالب قطعات وارد می‌شوند.
این اقتصاددان با بیان اینکه دولت باید صنایع تولیدی را ایجاد و صنایع فعلی را تقویت کند، گفت: در کشورهای اروپایی سالانه حدود ۷۰ میلیارد دلار تسهیلات به بخش تولید پرداخت می‌شود؛ در حالی که در کشور ما با نرخ‌های سود، حداقل ۲۰ درصد همراه با شرایط و ضوابط سخت نظام بانکی، به تولیدکننده تسهیلات پرداخت می‌شود.
وی افزود: طبق قانون اساسی دولت، بخش خصوصی و بخش تعاونی سه رکن اقتصاد کشور هستند که مهمترین رشته اقتصاد بخش «تعاون» است؛ چراکه در قالب بخش تعاون تولید به معنای واقعی به صورت مشارکتی رونق می‌یابد.
رزاقی با اشاره به راهکارهای مقابله با افزایش نرخ بیکاری در سیاست‌های کلان اقتصادی گفت: در وهله نخست دولت باید به با سرعت واردات کالاهای مشابه تولید داخل با ارز ارزان را قطع کند. سالانه حدود ۵۰ میلیارد دلار واردات داریم که اگر جلوی واردات کالاهای غیرضرور گرفته شود به تدریج شاهد افزایش ظرفیت تولید بنگاه‌ها خواهیم بود.
علاوه بر این آنچه که مسلم است قطعا بازار کار به به شدت متاثر از سیاست‌های کلان اقتصادی از جمله نرخ سرمایه گذاری و نرخ رشد اقتصادی است.
به اعتقاد برخی کارشناسان اقتصادی، طی سال‌های ۸۲ تا ۹۲ رشد اقتصادی از محل رشد بهره‌وری نه تنها افزایش نیافت بلکه این نرخ صفر و زیر صفر بود به همین دلیل پیامدهای این آمار به تدریج در اقتصاد نمایان شد تا اینکه طی سال‌های ۹۲ تا ۹۵ به رغم رشد برخی شاخص‌های اقتصادی، اما نرخ بیکاری رشد داشت.
در عین حال متاسفانه نرخ رشد سرمایه گذاری در بخش صنعت طی سال ۸۶ تا ۸۷ منفی شد. در نیمه نخست دهه ۸۰ از هر ۱۰۰ واحد سرمایه گذاری، ۶۵ درصد سرمایه گذاری در بخش ماشین آلات و ۳۵ درصد سرمایه گذاری در بخش ساختمان صورت گرفت و طی سال‌های ۹۱، ۹۲ و ۹۳ این میزان سرمایه گذاری بالعکس شد به طوریکه سهم ماشین آلات از سرمایه گذاری ۳۵ درصد و سهم ساختمان به ۶۵ درصد افزایش یافت که این به دلیل سیاست‌های انبساطی دولت بود که سرمایه‌ها را به سمت مسکن هدایت کرد.
بر اساس این گزارش، طی چند سال اخیر به غیر از نیروی انباشته بیکار که در جستجوی کار هستند، سالانه ۸۰۰ هزار تا یک میلیون نیروی کار جدید به سن کار می‌رسند و به متقاضیان شغل اضافه می‌شوند. در این شرایط دولت باید علاوه بر ایجاد ظرفیت‌های اشتغال برای نیروی انباشته بیکار از سال‌های گذشته، برای ورودی‌های جدید بازار کار هم بدنبال اشتغال زایی باشد.

■ **روایت آماری سه دولت از بازار کار!**

البته موضوعی که نباید از آن غافل شد غفلت دولت‌های نهم و دهم از برنامه‌های اشتغالزایی است چراکه طبق آمارهای رسمی‌متوسط نرخ رشد اشتغال در دو دولت نهم و دهم بسیار اندک بوده که این موضوع منجر به انباشت نیروی کار شده است.
برآیند فعالیت سه دولت نهم، دهم و یازدهم در حوزه سیاست‌های اشتغالزایی، حاکی از آن است که در دولت نهم به طور متوسط سالانه ۴۱۶ هزار و ۴۷۱ شغل ایجاد شد اما این میزان در دولت دهم با کاهش شدید مواجه شد؛ به طوریکه با ریزش ۴۹۰ هزار و ۶۷۹ نفر نیروی کار در دو سال پیاپی یعنی سال‌های ۸۹ و ۹۰ متوسط اشتغال ایجاد شده در دولت دهم در هر سال به ۱۲۷ هزار و ۹۱۶ نفر کاهش یافت.
در عین حال در یک سال از دولت یازدهم و در سال ۹۳ هم کشور با ریزش ۴۱ هزار و ۸۷۷ نفری نیروی کار مواجه شد؛ اما در مجموع چهار سال دولت یازدهم به طور متوسط سالانه برای ۴۸۹ هزار و ۹۵۴ نفر اشتغال ایجاد شد.

■ **متوسط اشتغالزایی سالانه در هر دولت**

دوره	متوسط اشتغال سالانه
دولت نهم	۴۱۶۴۷۱
دولت دهم	۱۲۷۹۱۶
دولت یازدهم	۴۸۹۹۵۴

بیکاری امروز به یک بحران تبدیل شده که ریشه آن را نمی‌توان در یک دولت خاص جستجو کرد اما انتظار مردم این است که دولت‌ها وضعیت نابسامان بازار کار که بیش از یک دهه اقتصاد ایران را به بحران بیکاری تبدیل کرده است را ساماندهی کنند.
این در حالیست که اشتغال جوانان در هر یک از شعارهای انتخاباتی یازده دولت گذشته به عنوان ابزاری‌ترین شعار کسب رای دولت‌ها بوده‌اما برآیند آن جز تشدید پدیده بیکاری نبوده است.
علاوه بر این، امروز یکی از مهمترین چالش‌های اشتغال در جمعیت جوان کشور یعنی گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله است که نرخ بیکاری در این گروه سنی با رشد ۲.۶ درصدی نسبت به سال گذشته به ۲۵.۹ درصد رسیده است.

پیشخوان

فاینانس‌ها از محل فروش نفت نیست

رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه فاینانس‌های جدید با محوریت حمایت از تولید و فعالان اقتصادی بخش خصوصی گشایش خواهند یافت، گفت: اختصاص این فاینانس‌ها از محل فروش نفت نیست.به گزارش مهر، ولی الله سیف گفت: فاینانس‌های جدیدی که از سوی کشورهای خارجی به اقتصاد ایران اختصاص یافته، جهت حمایت از تولید و فعالان اقتصادی بخش خصوصی گشایش خواهد یافت و اولویت با بخش غیردولتی است.رئیس کل بانک مرکزی در پاسخ به این سوال که آیا فاینانس‌های جدید برای اقتصاد ایران، از محل درآمدهای ناشی از فروش نفت است، گفت: به هیچ عنوان پول حاصل از فروش نفت ایران به کشورهای خارجی، در این فاینانس‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و این منابع، از محل اعتبارات کشورهای مختلف است.وی تصریح کرد: کشورهای متفاوتی از آسیا و اروپا، برای ایران فاینانس گشایش خواهند کرد.

تعیین رتبه فساد بنگاه‌ها از سوی اتاق بازرگانی

یک استاد اقتصاد ضمن اشاره به اینکه پروژه‌ای از سوی اتاق بازرگانی آغاز شده که بر اساس آن رتبه فساد بنگاه‌ها مشخص خواهد شد در ادامه گفت: مثلث نجات ایران شامل رقابتی کردن اقتصاد با هدف گسترش صادرات مبارزه با قاچاق و فساد و ساماندهی بانک‌ها و موسسات اعتباری در داخل و خارج کشور است.به گزارش ایسنا، محمدمهدی بهکیش گفت: ایران سال‌های سخت تحریم را سپری کرد و این اتفاق اکنون در اقتصاد ایران رخ داده است.
وی افزود: در مورد قاچاق با کمک یکی از دانشگاه‌ها و البته اتاق بازرگانی تهران، پروژه‌ای شروع شده که یکسال دیگر، محصولی حاصل می‌شود که می‌تواند بنگاه‌ها را رتبه بندی کرده و وضعیت فساد آنها را مشخص کند.بهکیش عنوان کرد: مدل این طرح با محوریت اتاق بازرگانی تهران، در حال تهیه است به این معنا که تمام چربی‌هایی که در سیستم تعبیه شده، باید خارج شود تا اقتصاد رقابتی شود، در این صورت می‌توان کالاهای صادراتی تولید کرد و در سطح بین المللی، وارد رقابت شد.این استاد اقتصاد ادامه داد: اکنون مصرف ما به سال ۱۳۸۱ بازگشته و بسیار کم شده است. این در حالی است که خریدهای دولتی نیز به سال ۱۳۸۶ برگشته و ضمن اینکه سرمایه گذاری و صادرات نیز به شدت کاهش یافته استوی افزود: برای حرکت به جلو نباید منتظر این باشیم که دولت تنها وارد عمل شود، بلکه تک تک افراد وارد عمل شده و بنگاهداران چربی‌های رانت را از سیستم خود خارج کنند. در این حالت اقتصاد رقابتی می‌شود. بهکیش افزود: ضمن اینکه قیمتگذاری باید برداشته شود تا هزینه‌ها کاهش یابد، البته مقرراتی هم دست و پای فعالان اقتصادی را بسته است که باید اصلاح شود، اما اتاق‌های بازرگانی نیز باید کمک کنند.

ضرورت سدسازی در برابر شوک افسار گسیخته ارزی

یک اقتصاددان می‌گوید:تک نرخی شدن ارز لاجرم تبعات تورمی‌را به اقتصاد تحمیل خواهد کرد، ولی چاره‌ای نیست چون مزایای ارز تک نرخی بلندمدت بوده و از مضرات کوتاه مدت آن بیشتر است. با این حال دولت باید بتواند با اقداماتی که انجام می‌دهد ارز را در محدوده مشخصی نگه دارد تا مانع جهش ناگهانی ارز و به دنبال آن تورم شود.به گزارش ایسنا، جمال بحری، درباره حذف ارز مسافرتی و حرکت به سمت تک نرخی شدن ارز با توجه به شرایط اقتصاد ایران گفت: برای سیاست‌گذاری کلان برای اقتصاد کشور هیچ زمانی نمی‌شود گفت آن زمان بهترین وقت برای انجام آن سیاست در اقتصاد است و از هر جهت وضعیت مناسبی را رقم خواهد زد. درباره تک نرخی شدن ارز نیز این موضوع صدق می کند. نمی‌توان گفت اکنون زمان بسیار مناسبی برای حذف ارز مبادله‌ای و تک نرخی شدن است، ولیکن به هر حال باید ارز تک نرخی شده و تبعات آن تحمل شود. چرا که مزایای تک نرخی شدن ارز از مضرات آن بیشتر است.او اظهار کرد: از دولت قبل انتظار می‌رفت برخی اصلاحات اساسی از جمله تک نرخی کردن ارز را در دستور کار قرار دهد.این اصلاحات درست است که ریسک‌ها و آسیب‌هایی را به همراه داشت، ولی نتایج مثبتی برای اقتصاد کشور به دنبال داشت. با این حال در دولت قبل از انجام این اصلاحات ساختاری اجتناب شد. همانطور که گفتم این اقدامات ممکن بود در کوتاه مدت تبعات ناخوشایندی داشته باشند ولی در بلند مدت برای اقتصاد کشور مفید هستند.این استاد دانشگاه، درباره تک نرخی شدن ارز توضیح داد: مطمئنا تک نرخی شدن ارز تاثیرات منفی کوتاه مدتی خواهد داشت ولی علی رغم این چنین اقدامی در میان مدت و بلند مدت به نفع اقتصاد خواهد کشور بوده و مثلا در صادرات بیشتر و واردات کمتر تاثیر مثبتی خواهد گذاشت و کل اقتصاد از فواید آن بهره مند خواهد شد. با این حال تک نرخی شدن ارز در کوتاه مدت تاثیرات منفی تورمی‌دارد که بر اقتصاد تحمیل خواهد شد.وی ادامه داد: با تک نرخی شدن ارز جهش قیمت‌ها چندان دور از انتظار نیست.اکنون برخی سخنانی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه باید حتی خود را برای ارز ۶۰۰۰ تومانی آماده کنیم. چنین فضایی انتظارات تورمی‌بیشتری را ایجاد می کند و می‌توان شاهد جابجایی‌هایی در نقدینگی بود که این موارد در سطح عمومی‌قیمت‌ها تاثیر گذار خواهد بود. شرایط موجود و انتظارات تورمی‌در ح